

انقلاب اسلامی؛ فرصت‌های همگرایی جهان اسلام و راهکار های تقویت آن

محمد حقی^۱

چکیده

همگرایی در سطح بین الملل، فرآیندی در زمینه افزایش همکاری میان دولت‌ها، گامی در راستای همگون سازی ارزش‌ها و روند تدریجی انتقال اقتدار به نهادهای فوق ملی می‌باشد که در راستای رسیدن به اهداف و مصالح همگانی اهمیت و ضرورت دارد. با توجه به اینکه یکی از آموزه‌های انقلاب اسلامی ایجاد همگرایی اسلامی است، مقاله حاضر در پی آن است که نشان دهد انقلاب اسلامی و آموزه های آن چه فرصت هایی را برای همگرایی جهان اسلام ایجاد نموده و برای تقویت همگرایی چه راهکارهایی وجود دارد؟ فرضیه این پژوهش با استفاده از نظریه کارکردگرایی نوین، این گزاره است که انقلاب اسلامی با توجه به دارا بودن جاذبه‌های ایدئولوژیک و هویت‌بخشی همچون حمایت از ملل مستضعف، حمایت از نهضت‌های اسلامی و داشتن آموزه وحدت‌گرایی اسلامی و نیز با عنایت به تسری ارزش‌های اسلامی و انسانی به کشورهای تحت ستم و ملل مسلمان، توانسته در مسئله همگرایی جهان اسلام فرصت‌های زیادی ایجاد نماید و در این راستا اقدامات مهمی همچون تاسیس نهادهایی نظیر جامعه المصطفی العالمیه و مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی انجام داده که دارای دستاوردهای مثبتی می‌باشد؛ البته در سطح دولت‌ها با موانع و محدودیت‌هایی مواجه بوده که با ارائه راهکارهایی نظیر دیپلماسی بین کشور های اسلامی، روشننگری نسبت به نقش سیاست‌های استکباری و اجماع سازی علیه جریان‌های وحدت ستیز در جهان اسلام قابل ارائه می‌باشد. در این مقاله، روش توصیفی تحلیلی مورد بهره‌گیری قرار گرفته است.

واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی، همگرایی، جهان اسلام، فرصت‌ها، راهکارها.

۱. دکترای مدرسی انقلاب اسلامی، پژوهشگر پژوهشگاه بین المللی المصطفی و دانش آموخته حوزه علمیه قم، قم، ایران
mhaghi59@yahoo.com
تاریخ ارسال: ۱۳۹۷/۰۷/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۰۷

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ با آموزه‌هایی همانند ایجاد وحدت و همگرایی در جهان اسلام، حمایت از ملل محروم و تحت ستم و نیز حمایت از نهضت‌های دینی و جنبش‌های اسلامی در سراسر جهان به پیروزی رسید. در دوران اولیه انقلاب و چهار دهه که از پیروزی انقلاب می‌گذرد، ایران اسلامی در سیاست خارجی خود، همواره از همگرایی ملل مسلمان حمایت کرده است و در سیاست اعلامی خود برای تحقق آموزه‌های انقلاب جهت رهایی ملل محروم و تحت ستم از سلطه قدرت‌های استکباری، تلاش‌هایی را انجام داده است. اما مسئله همگرایی و انسجام جهان اسلام همچنان با محدودیت‌ها و چالش‌هایی مواجه می‌باشد، چرا که همگرایی بعنوان یک فرایند یا وضعیت نهایی در میان کشورهای اسلامی به صورت چند جانبه و یا در قالب همگرایی منطقه‌ای با موانع و محدودیت‌های درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای روبرو بوده و عمدتاً در ساختار نظام بین‌المللی به شدت تحت تأثیر بازی قدرت‌های بزرگ بوده است. با این وصف پژوهش حاضر در پی آن است که نشان دهد انقلاب اسلامی و آموزه‌های آن چه فرصت‌هایی را برای همگرایی جهان اسلام ایجاد نموده و برای تقویت همگرایی چه راهکارهایی وجود دارد؟ به نظر می‌رسد که مطالعه همگرایی کشورهای اسلامی متأثر از انقلاب اسلامی، می‌تواند گامی موثر در جهت شناسایی ظرفیت‌های همگرایی جهان اسلام در شرائط نوین جهانی و منطقه‌ای باشد.

پیشینه پژوهش

در خصوص سابقه مطالعاتی در زمینه موضوع تأثیرات انقلاب اسلامی در ایجاد فرصت‌های همگرایی جهان اسلام باید اظهار داشت که آثار و مکتوبات فراوانی در رابطه با انقلاب اسلامی، زمینه‌ها و ابعاد مختلف آن و نیز بازتاب و تأثیرات انقلاب اسلامی بر جهان و کشورهای اسلامی نوشته شده است، اما در زمینه ارتباط انقلاب اسلامی با همگرایی جهان اسلام متون قابل توجهی وجود ندارد. بلکه بصورت پراکنده می‌توان آن را در کتب و مقالات مربوط به بازتاب انقلاب اسلامی مشاهده نمود. از جمله کتاب‌هایی که در این زمینه‌ها به نگارش در آمده عبارتند از: کتاب "انقلاب اسلامی ایران و بازتاب جهانی آن"، اثر جان‌ال. اسپوزیتو، که در آن مقالاتی در رابطه با انقلاب اسلامی، صدور و بازتاب آن بر کشورهای جهان از نویسندگان مختلف به رشته تحریر در آمده است. همچنین در این رابطه کتاب "بازتاب جهانی انقلاب اسلامی" نوشته منوچهر محمدی می‌باشد که در آن درباره تأثیرات انقلاب اسلامی بر دولت‌ها و ملت‌های جهان اعم از کشورهای اسلامی و غیر اسلامی بحث شده است. اما

اثری که در رابطه با جهان اسلام نوشته شده است، کتاب محمد باقر حشمت زاده تحت عنوان "تأثیرات انقلاب اسلامی بر کشورهای اسلامی" می‌باشد که در آن نویسنده به بازتاب انقلاب ایران بر کشورهای اسلامی و چگونگی تاثیر پذیری این کشورها از انقلاب ایران پرداخته است. همچنین کتاب (مجموعه مقالات) "موانع و فرصت‌های همگرایی در جهان اسلام" مرتبط با موضوع هست که به مباحثی همچون ظرفیت‌های همگرایی جهان اسلام، ظرفیت‌های وحدت‌گرایی در جهان اسلام و نگاهی به علل درونی واگرایی در جهان اسلام پرداخته است، و لکن آنچه که در این کتب مذکور به آن توجه نشده است، نقش انقلاب اسلامی ایران در همگرایی جهان اسلام است. البته در زمینه موضوع پژوهش حاضر، مقالاتی از جمله "انقلاب اسلامی ایران و همگرایی جهان اسلام"، نوشته فرشته زرگر، "هم‌گرایی کشورهای مسلمان در پرتو انقلاب اسلامی" و "تقریب مذاهب اسلامی در پرتو انقلاب اسلامی ایران" نوشته نگارنده متن حاضر^۱ به رشته تحریر در آمده است که در مقاله حاضر از آن‌ها استفاده می‌شود.

ادبیات مفهومی و چارچوب نظری

کاربرد مفهوم همگرایی اگرچه به عنوان معادل وحدت از دیرباز در دنیا، بویژه در جهان اسلام توسط اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان سابقه دیرینه‌ای دارد و لکن این مفهوم به معنای رایج و مصطلح عمدتاً از ۱۹۴۵ در چهارچوب منطقه‌گرایی در اروپای غربی مطرح شد و از دهه ۱۹۵۰ مورد توجه بیشتری قرار گرفت. محققان بر این باور شدند که آنچه در اروپای غربی به وقوع پیوست می‌توانست دارای آثاری بر نظریه روابط بین الملل باشد. صاحب نظران مانند دیوید میتزانی، کارل دوپیچ و ارنست هاس با بهره‌گیری از نظریه‌های جامعه‌شناختی کارکردگرایی گام‌های مؤثری در مطالعه همگرایی در سیاست بین الملل برداشتند که این خود در مرحله بعد یعنی در دهه ۱۹۷۰ زمینه را برای بررسی وابستگی متقابل فراهم ساخت و توجه به همگرایی از دهه ۸۰ رونق بیشتری گرفت. حرکت به بحث همگرایی منطقه‌ای نه تنها در اروپا و آمریکا بلکه در تمام مناطق جهان مورد توجه دولت‌ها قرار گرفت و در مقطع پس از جنگ سرد از اهمیت بیشتری برخوردار شده است. (Stefan 2002: 1-4)

همگرایی که مفهوماً در مقابل واگرایی قرار دارد، ارتباط نزدیکی با مفهوم وابستگی متقابل دارد. این مفهوم هم تبیینی برای برخی فرایندها در روابط بین الملل است و هم نسخه‌ای که برای برطرف ساختن ستیزهای جهانی و منطقه‌ای پیچیده شده است. (گریفیتس، ۱۳۸۸: ۱۱۰۰) همگرایی

۱ - محمد حقی.

در علوم سیاسی عبارت است از فرایندی که طی آن دولت‌ها یا واحدهای سیاسی برای دستیابی به اهداف مشترک خود، به طور داوطلبانه و آگاهانه، بخشی از حاکمیت و اقتدار عالی خود را به یک مرکز فراملی واگذار می‌کنند. (ولایتی و سعید محمدی، ۱۳۸۹: ۱۵۳)

همگرایی را به بهترین وجه به صورت یک فرآیند می‌باید تجزیه و تحلیل کرد. زیرا حرکتی است در زمینه افزایش همکاری میان دولت‌ها، روند تدریجی انتقال اقتدار به نهادهای فوق ملی، گامی است در راستای همگون سازی ارزش‌ها و بالاخره آن زمینه‌های لازم را برای به وجود آوردن جامعه مدنی جهانی و اشکال جدید اجتماع سیاسی فراهم می‌سازد. پیشرفته‌ترین حالت همگرایی وضعیتی است که در آن دولت‌ها به صورت فدراتیو در مقیاس کلی ظاهر شده و زمینه را برای ایجاد حکومت جهانی فراهم کنند. بنابراین می‌توان توسعه نظام بین الملل را براساس میزان پیشرفت همگرایی ارزیابی کرد. (قوام، ۱۳۸۴: ۴۴)

درباره همگرایی میان کشورها، نظریه‌های متعددی از جمله فدرالیستی، کارکرد گرائی و نئوکارکردگرائی مطرح شده است که مهمترین آن‌ها در ابتدا مربوط به جنبه‌های ایجاد وحدت سیاسی و همگرایی سیاسی میان کشورها برای رسیدن به صلح پایدار بود. در این زمینه نظریه فدرالیست‌ها مطرح گردید، سپس با توجه به تجربه اقتصادی اروپا در مقطع پس از جنگ جهانی دوم، نظریه‌های کارکرد گرائی و نئوکارکردگرائی مطرح گردید. در چارچوب اندیشه فدرالیستی به عنوان یک نظریه همگرایی منطقه‌ای یا حتی جهانی، می‌توان مکانیسم دولت فدرالی را به سطح سیاست بین المللی تعمیم داد که در نتیجه یک نهاد فوق ملی (دولت فدرال) و نیز تعدادی از واحدهای سیاسی (ایالات) بر مبنای یک قانون اساسی مشترک به وجود آید و با تفویض بخش عمده‌ای از اقتدار دولت‌ها به یک نهاد فوق ملی، از شدت وحدت، ملی‌گرایی، حساسیت و حاکمیت‌های جداگانه کاسته شده، انترناسیونالیسم جایگزین آن شود. (قوام، ۱۳۸۰: ۲۵۱)

با توجه به مشکلات موجود در نظریه فدرالیستی، نظریه کارکرد گرای مطرح گردید که در صدد ایجاد ساختار فدرال جهانی نیست بلکه درصدد ایجاد صلح از طریق کنار هم گذاردن واحدهاست. این کار توسط سازمان‌های فراملی صورت گرفته که عمدتاً به جای تسلیم حاکمیت بر سهیم شدن آن تأکید می‌ورزد. کارکردگرائی، ابتدا فرض تحویل ناپذیری دولت‌ها و غالب بودن منافع آن‌ها را زیر سوال برده و سپس فعالانه می‌کوشد تا طرح‌هایی برای همکاری ببیند، کارکردگرائی به سوی صلح معطوف بوده و می‌کوشد تا از بن بست یک چارچوب مبتنی بر برد و باخت بپرهیزد. (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۷۴: ۶۶۷)

در نهایت نظریه نوکارکردگرایی مطرح گردید که مولود فکری کارکردگرایی است. نظریه پردازان نوکارکردگرایی استدلال می‌کنند که چون در نظام بین الملل دشوار می‌توان به اجماع کلی دست یافت، باید این فرایند را در چهارچوب یک سیستم پلورالیستی (کثرت گرایی) مورد بررسی قرار داد. کارکردگرایان جدید بر اسلوب‌های چانه زدن میان نخبگان سیاسی و نیز استراتژی‌هایی که آن‌ها در روند همگرایی به کار می‌گیرند و همچنین بر انگیزه‌های بازیگران سیاسی مشارکت کننده و بالآخره بر پیامدهای غیرقابل انتظاری که بر اثر تعقیب منافع متعارض هر یک از بازیگران حاصل می‌شود و تاکید می‌کنند (قوم، ۱۳۸۰: ۲۴۹ و ۲۵۰)

برخی از محققان کوشیده‌اند تا نظریه های نوکارکردگرایانه همگرایی را مورد اصلاح و تنقیح قرار دهند. یکی از این محققان، جوزف نای است که وی برای رفع انتقاد به عمل آمده از نظریه‌های همگرایی منطقه‌ای مبنی بر اینکه به مقتضای یافته‌های محیطی اروپا تدوین شده‌اند سعی کرده برای ارائه یک نظریه عام همگرایی طرحی نو دراندازد. نای سعی دارد با تلفیق آرمانگرایی و واقعگرایی موجود در نظریه‌ها، نظریه نوکارکرد گرایانه خود را تدوین کند. بدین منظور وی ابتدا هفت ساز و کار فرایندی موجود در نظریه‌های کارکردگرا و نوکارکردگرا را بازسازی می‌کند و سپس به امکان همگرایی می‌پردازد. هفت ساز و کاری که جوزف نای سعی دارد اصلاح کند عبارتند از: پیوند کارکردی وظایف، افزایش مبادلات، پیوندهای عمودی و تشکیل ائتلاف، جامعه پذیری نخبگان، تشکیل گروه‌های منطقه‌ای، جاذبه ایدئولوژیک و هویت بخش و شرکت بازیگران خارجی در فرایند همگرایی. (جیمز و فالتزگراف، ۱۳۷۴: ۶۸۳-۶۸۱)

جوزف نای معتقد است نظریه اش صرفاً معطوف به کشورهای پیشرفته و یا اروپائی نیست و قابلیت کاربرد در کشورهای جهان سوم را دارد. آنچه در دیدگاه‌های جوزف نای قابل تأمل می‌باشد، تاکید وی بر جنبه‌های ایدئولوژی، ارزشی، هنجاری و هویت بخشی در فرایند همگرایی است. نای در اثر دیگر خود بنام «قدرت نرم» بر جنبه دوم قدرت در روابط بین الملل و سیاست خارجی دولت‌ها توجه ویژه‌ای می‌نماید؛ وی می‌گوید: «قدرت نرم بر قابلیت شکل دادن به علائق دیگران تکیه دارد ، ... رهبران سیاسی از مدت‌ها پیش به قدرت برآمده از جاذبه پی برده بودند، اگر من بتوانم شما را متقاعد کنم که آنچه را که می‌خواهم انجام دهید، دیگر نیازی به استفاده از هویج و یا چماق برای مجبور کردن شما ندارم» (نای، ۱۳۸۷: ۴۳) از سوی دیگر جوزف نای به اهمیت منابع قدرت نرم روابط میان کشورها می‌پردازد و می‌نویسد «در سیاست‌های بین المللی، قسمت اعظم منابعی که قدرت نرم تولید می‌کند از ارزش‌های ارائه شده یک سازمان یا کشور در فرهنگش - بعنوان مثال از

طریق سیاست‌ها و آداب و رسوم داخلی و یا از طریق نوع رابطه‌اش با دیگران - ناشی می‌شود.» (نای، ۱۳۸۷: ۴۷) وی منابع قدرت نرم در یک کشور را از سه منبع اصلی می‌داند که آن‌ها به صورت زیر می‌باشد:

فرهنگ یک کشور، بویژه آن بخش‌هایی که برای سایر کشورها جذابیت دارند.

ارزش‌های سیاسی که در داخل و خارج کشور مورد توجه قرار می‌گیرد.

سیاست خارجی بویژه در صورتی که قانونی و مسئولانه به نظر برسد. (نای، ۱۳۸۷: ۵۱)

با توجه به دیدگاه «جوزف نای» اگر کشوری از منابع فوق برخوردار باشد، از سطح قدرت نرم بالایی برخوردار است. مطالعه انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که آموزه‌های آن از سطح بالایی از قدرت نرم برای ایجاد همگرایی جهان اسلام برخوردار است؛ آموزه‌هایی مانند حمایت از ملل محروم و تحت ستم، مقابله با ظلم و تعدی، ایجاد برابری و دفاع از عدالت در سطح جهانی از عوامل بسیار مؤثر برای ایجاد همبستگی میان ملت‌ها بویژه کشورهای اسلامی است. به عبارتی دیگر با توجه به تاکید جوزف نای، بر ابعاد فرهنگی و ارزشی همگرایی میان کشورها و نیز فرهنگی و ارزشی بودن انقلاب ایران، می‌توان تاثیر انقلاب اسلامی در همگرایی جهان اسلام را با توجه به نظریه نای شرح داد. در بحث همگرایی، این نظریه بر محور هایی مانند جاذبه ایدئولوژیک و هویت بخشی، تسری و گسترش و جامعه‌پذیری نخبگان و تبادل افکار و اندیشه تأکید دارد که این مقاله با توجه به محور های بیان شده، به مطالعه و بررسی تأثیر انقلاب اسلامی بر ایجاد فرصت های همگرایی جهان اسلام در سطح ملت‌ها و جنبش‌ها می‌پردازد.

تأثیر انقلاب اسلامی در ایجاد فرصت های همگرایی ملت های مسلمان

وقوع انقلاب اسلامی در دهه های پایانی قرن بیستم، قرنیه که از آن به عصر پایان ایدئولوژی‌ها و پایان تاریخ تعبیر می‌شد، به سان موجی خروشان، بر اندیشه‌ها و نظریه های مادی‌گرایانه غربی و شرقی فرو آمد و بساطی نو درآفکند. این انقلاب که بر خلاف دیگر انقلاب های مدرن، از رویکردی دینی و معنوی برخوردار بود، نگرش دنیامحورانه و مادی‌گرایانه حاکم بر نظام تعامل جهانی را از اساس متزلزل ساخت و موجی از شور و امید در میان ملت های محروم جهان و جوامع اسلامی به وجود آورد؛ جوامعی که عموماً تحت سلطه حکومت های خودکامه بودند. در این میان، آنچه شگفت به نظر می‌رسید، نقش اسلام در تسریع روند پیروزی انقلاب اسلامی و ظهور آن به عنوان یک ایدئولوژی غالب در ایران انقلابی بود. انقلاب ایران سبب تجدید دوباره حیات دین در جامعه ایرانی

شد، (میلانی، ۱۳۸۱: ۱۵) انقلاب اسلامی به لحاظ ظرفیت‌های بالای جاذبه ایدئولوژیک توانست نه تنها در میان ملت‌های اسلامی، بلکه در میان ملت‌های محروم و تحت ستم از پذیرش و استقبال فزاینده‌ای برخوردار شود و تاحد زیادی انسان‌های مسلمان و آزادی‌بخش را مجذوب خود سازد. بر این اساس، انقلاب اسلامی ایران با توجه به دارا بودن جاذبه‌های ایدئولوژیک و هویت‌بخشی همچون حمایت از ملت‌های محروم و مستضعف، حمایت از جنبش‌های اسلامی و داشتن آموزه وحدت‌گرایی اسلامی و نیز با توجه به تسری و گسترش ارزش‌های اسلامی و انسانی به کشور‌های تحت ستم و ملت‌های مسلمان و تأسیس نهاد‌هایی همچون جامعه المصطفی‌العالمیه و مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی به منظور تربیت نیروهای متخصص اسلامی و نزدیک ساختن دیدگاه‌های نخبگان فکری و سیاسی جهان اسلام در مسئله همگرایی ملت‌های مسلمان، توانسته است فرصت‌های بسیاری به وجود آورد که در ادامه به تبیین موارد مذکور خواهیم پرداخت.

الف) جاذبه‌های ایدئولوژیک و هویت‌بخشی

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، چراغ امید در قلب امت جهانی اسلام روشن شد و مسلمانانی که تا آن هنگام فکر می‌کردند برای رهایی از یک ابر قدرت باید به ابر قدرت دیگری روی آورند یا بعضی که گمان می‌کردند، امکان برقراری حکومت اسلامی در این عصر و زمانه وجود ندارد، به طور کلی متحول شدند. از جمله این که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، از نفوذ اندیشه‌های مارکسیستی و ناسیونالیستی ... در میان مسلمانان کاسته شد و در مقابل اسلام راهنمای عمل انتخاب گردید. بدین گونه فریاد اسلام خواهی مردم کشور‌های مختلف جهان که متأثر از انقلاب اسلامی بود، بیش از گذشته نمودار شد. به عبارت دیگر آنچه در اندیشه انقلاب اسلامی ایران در سطح جهان اسلام اهمیت یافت مربوط به احیای مذهب و تقویت جنبش‌های اسلامی بود و چیزی که به نفوذ این اندیشه کمک می‌کرد، آرزوهای امام خمینی(ره) در جهت آزادی جهان اسلام از یوغ استعمارگران و طاغوتیان، مجد و عظمت مسلمانان، از بین رفتن تفرقه‌های سیاسی، مذهبی، ملی و قومی در جهان اسلام و همچنین آگاهی بخشیدن به مسلمانان جهان، بازسازی و نجات تفکر دینی و در یک کلام نجات مسلمانان بود. (لک زایی، ۱۳۸۵: ۳۴۱)

انقلاب اسلامی ایران به دلیل جذابیت در شعارها، اهداف، روش‌ها، محتوا و نتایج حرکت‌ها و سابقه مشترک دینی و تاریخی و شرایط محیطی منطقه‌ای و بین‌المللی، پدیده‌ای اثرگذار در جهان اسلام بوده، و دولت‌ها، جنبش‌ها و سازمان‌های دینی را در آن جوامع به درجات مختلف متأثر نمود. در این

بخش به نمونه هایی از جاذبه های ایدئولوژیک انقلاب اسلامی و هویت بخشی آن اشاره خواهیم کرد.

انقلاب اسلامی و حمایت از ملت های محروم و جنبش های اسلامی

از آنجا که انقلاب اسلامی بر پایه ارزش های مکتب اسلام شکل گرفته بود، با محکوم کردن استکبار و سلطه جویی، حمایت خود را از مستضعفان جهان در اقصی نقاط عالم اعلام داشت. در واقع این انقلاب با طرح استکبارستیزی جهانی، نظام جدیدی را به عالم عرضه داشت که در آن، تضاد واقعی میان مستکبران از یک سو و مستضعفان جهان از سوی دیگر، کاملاً به چشم می خورد؛ زیرا جامعه جهانی روی صلح و آشتی نخواهد دید، مگر زمانی که استکبار و مستکبران از صفحه روزگار، محو و مستضعفان بر همه جهان حاکم شوند. (محمدی، ۱۳۸۵: ۹۷) امام خمینی از آغاز نهضت اسلامی به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، همواره در بیانات و نوشته های خود، بر حمایت از محرومان و مستضعفان تأکید می کرد: «ملت آزاده ایران اکنون از ملت های مستضعف جهان در مقابل آن هایی که منطبقشان توپ و تانک و شعارشان سرنیزه است، کاملاً پشتیبانی می کند. ما از تمام نهضت های آزادی بخش در سرتاسر جهان که در راه خدا و حق و حقیقت و آزادی مبارزه می کنند، پشتیبانی می کنیم». (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱۲، ۱۳۸)

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر لزوم توجه به مسائل جهانی به ویژه حمایت از مردم و ملت های تحت ستم در سطح جهان تأکید شده است. در مقدمه قانون اساسی آمده است: «قانون اساسی با توجه به محتوای انقلاب اسلامی که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود، زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می کند به ویژه در گسترش روابط بین المللی با دیگر جنبش های اسلامی و مردمی می کوشد تا راه تشکیل امت واحده جهانی را هموار کند و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان فراهم آید». (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۵: ۱۵) همچنین اصول ۳، ۱۵۲ و ۱۵۴ بر حمایت از حقوق همه مسلمانان و مستضعفان جهان تأکید کرده است.

از سوی دیگر، امام خمینی هم پیش از پیروزی انقلاب و هم پس از آن، از نهضت های آزادی بخش و اصلاح طلب بدون حساسیت نسبت به گرایش های دینی و مذهب آنان، به حمایت برمی خاست که نمونه بارز آن، در نهضت مسلمانان فلسطین و قیام آنان برضد اسرائیل جلوه گر است. (هاشمی، ۱۳۸۲: ۸۳) انقلاب اسلامی ایران که توانست نظام استبدادی و دست نشانده را سرنگون و حکومت اسلامی را به جای آن مستقر سازد، برای ملت های تحت ستم به عنوان یک الگو به شمار می

آید که می‌تواند زمینه‌ساز الگوی رفتاری و هنجاری جدیدی باشد.

وحدت‌گرایی انقلاب اسلامی ایران

تفرقه و جدایی سیاسی مسلمانان خطرناک است، به‌گون‌های که زبان‌های فراوانی برای جهان اسلام و امت اسلامی داشته است و دارد. دشمنان اسلام و مخالفان عزت و قدرت مسلمانان همواره درصدد ایجاد اختلاف و درگیری میان مسلمانان و پیروان مذاهب بوده‌اند و یکی از نقشه‌های استکبار جهانی برای مهار قدرت روزافزون جهانی اسلام، تلاش در راه دامن زدن به اختلافات فرق‌های و مذهبی است.

انقلاب اسلامی ایران همواره منادی وحدت اسلامی و اتحاد مسلمانان جهان بوده است. تأسیس مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تشکیل هفته وحدت، برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی وحدت، رهنمودهای سازنده و عمیق رهبر کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی و مقام معظم رهبری و نیز تأکید فراوان بر وحدت جهان اسلام و امت اسلامی می‌تواند زمینه هم‌گرایی کشورهای اسلامی را فراهم آورد. در اصل یازدهم قانون اساسی آمده است: «به حکم آیه کریمه: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِي»، همه مسلمانان یک امتند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد.» (قانون اساسی جمهوری اسلامی: اصل ۱۱)

بر این اساس، هدف آرمانی انقلاب اسلامی، ایجاد دولت بزرگ اسلامی است که بتواند همه سرزمین‌های اسلامی را در خود جای دهد و یک قدرت مستقل ایجاد کند. بنابراین، اگر دولت‌ها و ملت‌های اسلامی بتوانند بر موانع موجود بر سر راه وحدت اسلامی و تشکیل امت بزرگ اسلامی فایق آیند و توطئه‌های استعمار را بشناسند و آن‌ها را خنثی کنند، می‌توانند یک قدرت بزرگ در جهان به نام جهان اسلام و امت اسلام ایجاد کنند.

انقلاب اسلامی و احیای هویت اسلامی

پیش از ظهور انقلاب اسلامی و موجودیت یافتن آن در جغرافیای سیاسی جهان، سایه افکندن عقاید و اندیشه‌های مادی بر اذهان ملت‌های مسلمان، سبب شده بود تا دین به حاشیه رانده شود و جهان به سوی ترویج سکولاریسم و ایجاد یک جهان غیردینی حرکت کند، ولی با وقوع انقلاب اسلامی

ایران، تغییرات و تحولات نوینی به وجود آمد؛ انقلاب اسلامی به ملت های مسلمان که در بند مدل‌ها و الگو های غرب و شرق بودند، این حقیقت را فهماند که تنها بازگشت به دین و ارزش های اسلامی است که می‌تواند راهگشای مشکلات و تأمین‌کننده مصالح آن‌ها باشد؛ زیرا دین مبین اسلام برای همه حوزه های حکومت اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، طرح و برنامه دارد. (مجرد، ۱۳۸۶: ۱۱۳)

انقلاب اسلامی ایران واکنشی از سوی طرفداران احیا تفکر دینی برای حل مشکلات جوامع اسلامی و چاره‌جویی آن‌ها با استفاده از اصول و مقررات ارزشمند اسلام بود. این واکنش در مقابل استبداد و استکبار که منافع خود را در نبود اسلام می‌دیدند، به وجود آمد. مبارزان اسلامی برای تحقق بخشیدن به آرمان های اسلام، با تأکید بر هویت اسلامی، به اتحاد و نزدیکی فرقه های گوناگون مذهب اسلام می‌اندیشیدند و به همین خاطر بود که نظر مثبت مذاهب اسلامی نسبت به انقلاب اسلامی جلب شد. انقلاب اسلامی، با بیدار ساختن هویت اسلامی مسلمانان، آن‌ها را به سوی مبارزات اسلامی کشاند. (میرآقایی، ۱۳۷۹: ۱۷۵) انقلاب اسلامی ایران حرکتی مبتنی بر بازگشت به خویشتن، تأکید بر هویت فراموش شده اسلامی برای برخورد با جنبه های مختلف حیات بشری، در خلاف جهت منافع و هدف های شرق و غرب (کدیور، ۱۳۷۲: ۹۹) و نیز حرکتی نوگرایانه فرهنگی به منظور احیای هویت اسلامی، نه تنها در ایران، بلکه مطرح ساختن آن در جهان به عنوان مکتب حیات‌بخش و الگوی تمام عیار سعادت و رفاه دنیوی و اخروی بود.

انقلاب اسلامی و طرح اسلام سیاسی

از آنجا که انقلاب اسلامی ایران مبتنی بر ایدئولوژی اسلام به ویژه مذهب شیعه است و مشروعیت خود را از دین الهی کسب می‌کند، با نظم بین المللی مبتنی بر سیاست قدرت در تضاد است. هدف های انقلاب اسلامی نیز که مبتنی بر فرهنگ دینی و ارزش های سنتی و بومی است، برای جهان غرب کاملاً غیرمنتظره بود و کشور هایی که با ایدئولوژی هایی مانند لیبرالیسم و سوسیالیسم در نظام بین الملل خو گرفته بودند، به هیچ وجه رویکرد دینی یا احیای سنت سیاسی اسلام برایشان قابل هضم نبود. بدین ترتیب، «رخداد انقلاب اسلامی با ماهیت دینی باعث غافل‌گیری صاحب‌نظران، دولت‌ها و نخبگان سیاسی شد». (ملکوتیان، ۱۳۸۴: ۲۶۸)

با پیروزی انقلاب اسلامی، گفتمان اسلام سیاسی، خواهان بخشی از قدرت سیاسی شد. این گفتمان در حالی در دنیای لائیسزم و سکولاریسم مطرح می‌شد که دین نه تنها از سیاست جدا و به

گفته مارکس، افیون ملت‌ها تلقی می‌شد، بلکه آن را متعلق به تاریخ می‌دانستند و معتقد بودند که دین چیزی برای ارائه به دنیای مدرن ندارد و دوره آن نیز گذشته است. حاکم شدن این گفتمان در ایران به‌عنوان کشوری که حوزه نفوذ اندیشه غربی بود، در عمل، پیوند دین و سیاست بر مبنای اسلام اصیل را نشان داد که این موقعیت جدید، چالش با دوران سیطره گفتمان غرب محور را به همراه داشت. این بار انقلاب اسلامی ایران، اسلام انقلابی را عرضه کرد؛ یعنی چیزی که مسلمانان را قادر می‌ساخت تا در پرتو آن، آزادی خویش را به دست آورند و در مقابل استعمار، صهیونیسم، سرمایه‌داری و نژادپرستی ایستادگی کنند. (حنفی، ۱۳۸۶: ۲۱)

ب) تسری و گسترش

در بحث تسری و گسترش، مسئله تجارب کشورهای همگرا در فرایند همگرایی از اهمیت خاصی برخوردار است، به‌گون‌های که اگر کشورهای همگرا از همکاری با یکدیگر در عرصه‌های مختلف شاهد تجارب مثبت و تأمین منافع متقابل باشند، این امر سبب تسری و گسترش هم‌گرایی از یک حوزه به حوزه دیگر می‌شود. تسری و گسترش در حوزه انقلاب اسلامی ایران نیز می‌تواند بدین معنا باشد که کشورهای اسلامی با مشاهده تجربه مثبت ملت ایران در استقرار نظام اسلامی، حاکمیت و اجرای احکام و آموزه‌های اسلامی، رها شدن از سلطه و کسب آزادی، در مسیر تسری دادن آن به کشور خود قرار گرفتند. بر این اساس، الگوی انقلاب اسلامی ایران با توجه به جاذبه‌های فرهنگی و سیاسی، به سرعت در میان ملت‌های مستضعف گسترش یافت و با به‌وجود آوردن یک فضای فرهنگی و سیاسی جدید، توانست به عنوان یک فرصت، در همگرایی جهان اسلام مؤثر واقع شود. تذکر این نکته ضروری است که فرصت‌های ایجاد شده پیرامون همگرایی جهان اسلام در در مسائل مختلف، بویژه در مسئله تسری و گسترش بیشتر در سطح ملت‌ها و جنبش‌های اسلامی صدق می‌کند و الا در سطح دولت‌ها قطعاً این مسئله با واکنش‌های منفی مواجه بوده و موانع متعددی نیز ایجاد گردیده است. در رابطه با استفاده از تجارب انقلاب اسلامی و یا تسری تجربیات انقلاب می‌توان به مسئله صدور انقلاب اسلامی و نقش انقلاب اسلامی در جنبش‌های اسلامی اشاره نمود که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد:

صدور انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی به‌عنوان یک انقلاب ایدئولوژیک با جهان‌بینی خاص خود که از مکتب اسلام سرچشمه

گرفته بود، نه تنها در بعد ملی، احیاگر طرح‌ها، برنامه‌ها و نظریات خاص برای حکومت و دولت‌مداری است، بلکه در بعد جهانی نیز با توجه به جهان‌شمولی مکتب اسلام، دارای افکار و نظریات خاص و ارائه دهنده نظام جهانی ویژه خود است. (محمدی، ۱۳۸۵: ۵۹) آنچه در بحث صدور انقلاب اسلامی ایران دارای اهمیت است، نه تنها مربوط به جنبه انقلابی حرکت ملت ایران، بلکه معطوف به آموزه های انقلابی و اسلامی آن است که به نوبه خود، آن را از انقلاب های دیگر متمایز می‌سازد.

امام خمینی به عنوان ایدئولوگ انقلاب اسلامی، صدور انقلاب را به مفهوم صدور ارزش‌ها، آرمان‌ها و تجربیات انقلاب اسلامی همچون استقلال، نیل به خصلت های انسانی و خودکفایی، حمایت از مستضعفان و رنج‌دیدگان، ایجاد عدالت اجتماعی، نفی اشرافی‌گری و تبعیض‌ها و نژادگرایی می‌دانند. (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۵: ۷۶) ایشان ضمن رد شبهاتی که از سوی دشمنان مطرح می‌شد، بیان می‌دارد که منظور از صدور انقلاب، به هیچ عنوان هجوم نظامی و لشگرکشی به دیگر کشور های مسلمان نیست: «ما می‌گوییم می‌خواهیم انقلابمان را صادر کنیم؛ نمی‌خواهیم با شمشیر باشد بلکه می‌خواهیم با تبلیغ باشد». (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱۸، ۷۲) بر این اساس، هدف از صدور انقلاب، صدور پیام انقلاب اسلامی است که به سرعت در سراسر کشور های تحت ستم و محروم، بازتاب و از نقطه های به نقطه دیگر گسترش یافت. نمود بارز صدور انقلاب اسلامی را می‌توان در رستاخیز مجدد جنبش های اسلامی در جهان اسلام دانست که به نوبه خود سبب ایجاد تغییرات و تحولات فرهنگی و سیاسی در کشور های اسلامی شد. از این رو، می‌توان از آن به عنوان فرصت های ایجاد شده برای همگرایی جهان اسلام در پرتو انقلاب اسلامی ایران یاد کرد.

انقلاب اسلامی ایران و جنبش های اسلامی معاصر

وقوع انقلاب اسلامی و سیاست حمایت از جنبش های اسلامی، روحیه امید، جرئت و جسارت را در آن جنبش‌ها زنده ساخت و ظهور اصول‌گرایی در قالب احزاب و جنبش های متعدد، شتاب فرایند های گرفت. اگر پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران بیشتر جنبش های اسلامی در برخورد با مظاهر زندگی عصر جدید و تمدن خیره کننده غرب موضع انفعالی داشتند و درباره کارآمدی تعالیم دینی در مدیریت معقول و شایسته جوامع اسلامی در شک و تردید به سر می‌بردند، تحول همه‌جانبه انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی، این باور وثیق را در اذهان نیروهای مسلمان جای داد که اسلام به عنوان یک مکتب آسمانی می‌تواند مهم‌ترین تحولات جهانی را رقم زند و برای پرسش های عصر جدید و مدیریت جوامع، نسخه شفابخشی ارائه دهد. این نکته، مهم‌ترین تأثیر انقلاب اسلامی بود که

از یک سو جنبش‌های موجود را در بعد نظری بر مبنای محکم دینی استوار ساخت و از سوی دیگر، باورهای دینی را به‌عنوان عامل بالنده و تحرک‌آفرین در سرنوشت جوامع انسانی مطرح کرد. در لبنان جنبش‌های شیعی امل، امل اسلامی و حزب الله و گروه سنی جنبش توحید اسلامی تحت تأثیر مستقیم انقلاب اسلامی پدیده آمده یا فعال گردیدند. همچنین در بحرین، جبهه اسلامی برای آزادی بحرین که به گفته حکومت بحرین به یک کودتای نافرجام در ۱۹۸۱ دست زد و در کویت یک جنبش اسلامی از جمله گروه حزب الله کویت به وجود آمدند. در مصر، گروه‌ها و جنبش‌هایی از جمله اخوان المسلمین به دفاع از انقلاب اسلامی ایران پرداخت. در سوریه، اخوان المسلمین تحت تأثیر انقلاب اسلامی فعالیت خود را گسترش داد. در میان فلسطینی‌ها دو گروه اصلی جهاد اسلامی و سازمان مقاومت اسلامی یا حماس در سال‌های دهه ۱۹۸۰ بعد از پیروزی انقلاب اسلامی اعلام موجودیت کردند. (احمدی، ۱۳۶۹: ۱۱۷ - ۱۵۵)

در عراق و در برخورد بین گروه‌های مذهبی شیعه و دولت بعث برای نخستین بار در تاریخ حرکتی انقلابی بعد از بازگشت امام خمینی به تهران رخ داد. کشور عربستان نیز دو قیام بزرگ قیام شیعیان و حادثه تسخیر مسجد بزرگ کعبه اتفاق افتاد. (احمدی، ۱۳۶۹: ۲۰۹) در افغانستان نیز مجاهدین افغانی، از انقلاب اسلامی الهام گرفتند، در پاکستان، پیروزی انقلاب ایران به پیدایش «نهضت‌های اجرای فقه جعفری» منتهی گشت. در آسیای مرکزی از جمله کشورهای تاجیکستان و ازبکستان، حرکت‌هایی تحت تأثیر انقلاب اسلامی پدید آمدند، همچنین در قفقاز، بازتاب انقلاب اسلامی به چشم می‌خورد، به‌گون‌هایی که این حرکت در حزب اسلامی جمهوری آذربایجان تجلی یافته است. (ملکوئیان، ۱۳۸۴: ۸۵)

ج) جامعه‌پذیری نخبگان و تبادل افکار و اندیشه

یکی از محورهای اساسی همگرایی کشورهای اسلامی، مربوط به نخبگان فکری و صاحب‌نظران کشور های اسلامی است؛ زیرا اگر همفکری نخبگان به نتایج ملموسی برسد، امکان و ظرفیت‌های هم‌گرایی ملت‌های مسلمان نیز افزایش می‌یابد. آنچه در این زمینه دارای اهمیت است، دریافت واقع‌بینانه پیام انقلاب اسلامی بدون دخالت دادن گرایش‌های سیاسی و سلیقه‌های فردی از سوی نخبگان فکری است. دستیابی به این هدف در گرو وحدت نظر در منشور وحدت مسلمانان و نزدیک ساختن دیدگاه‌های نخبگان در مسئله هم‌گرایی ملت‌های مسلمان است. برای رسیدن به این منظور و در جهت تحقق بخشیدن به آموزه‌های انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی ایران، مجمع

جهانی تقریب مذاهب اسلامی و جامعه المصطفی العالمیه را تأسیس کرد تا بتواند با اتحاد میان بزرگان مذاهب اسلامی و تربیت و آموزش نیروهای متخصص و متعهد اسلامی، به همگرایی کشورهای اسلامی یاری رساند. انقلاب اسلامی ایران نه تنها مسلمانان ایران را به برادری و تفاهم اسلامی فرامی‌خواند، بلکه همه مسلمانان جهان را برای تحقق وحدت اسلامی دعوت می‌کند. در این راه، جمهوری اسلامی اساس کار خود را دعوت از علما و متفکران سراسر جهان اسلام برای بحث و تبادل نظر به منظور آگاهی و شناخت بیشتر مذاهب اسلامی از یکدیگر و جلوگیری از هرگونه فعالیت‌های تفرقه‌افکن قرار داد. (حقی، ۱۳۹۶: ۱۳۳)

به دنبال اعلام هفته وحدت از سوی جمهوری اسلامی ایران برای گسترش تفکر اتحاد مسلمانان، این کشور، کنفرانس‌های وحدت را برگزار کرد که هدف از برگزاری آن، ایجاد زمینه‌های اتحاد و هم‌بستگی جهان اسلام، همفکری علما و دانشمندان به منظور نزدیک‌سازی دیدگاه‌های علمی و فرهنگی آنان در زمینه‌های مختلفی، از جمله فقهی، اصولی، کلامی و تفسیری و نیز بررسی مسائل و مشکلات مسلمانان و ارائه راه‌حل‌های مناسب و موضع‌گیری مشترک در برابر آن است.

راهکارهای تقویت همگرایی اسلامی

اگر چه انقلاب اسلامی با توجه به دارا بودن جاذبه‌های ایدئولوژیک و هویت‌بخشی همچون حمایت از ملت‌های مستضعف، حمایت از جنبش‌های اسلامی و داشتن آموزه وحدت‌گرایی اسلامی در سطح ملت‌های اسلامی، ظرفیت‌های بسیاری برای تحقق بخشیدن به همگرایی ایجاد نمود و نیز نهادهایی همچون جامعه المصطفی العالمیه و مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی تاسیس شد و لکن با توجه به وجود موانع و محدودیت‌ها در سطح دولت‌ها می‌توان با ارائه راهکارهایی نظیر دیپلماسی بین‌کشورهای اسلامی، روشنگری نسبت به نقش سیاست‌های استکباری و اجماع‌سازی علیه جریان‌های وحدت‌ستیز در جهان اسلام، به تقویت همگرایی پرداخت. در ادامه به توضیح راهکارها می‌پردازیم:

دیپلماسی بین‌کشورهای اسلامی و تلاش برای خنثی‌سازی توطئه تفرقه

از جمله راهکارهای تقویت همگرایی اسلامی، دیپلماسی فعال سیاسی و تنش‌زدایی بین کشورها خصوصاً تنش‌زدایی با دولت‌های ذی‌نفوذ اسلامی و اعتماد سازی با قدرت‌های منطقه‌ای می‌باشد. بکارگیری ابزار دیپلماسی سیاسی و عمومی از سوی کشورهای اسلامی، به زدودن مسائل امنیت

محور و اعتمادزایی و توسعه و توسعه روابط متوازن و ارائه تصویر واقع بینانه کمک کرده و ضمن کاهش دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای، موجب تامین اهداف و منافع ملی کشورهای اسلامی خواهد شد. (جوادی ارجمند، ۱۳۹۴: ۱۰) ادبیات اسلام، مشحون از مفاهیمی است که با تصریح و تلویح، مسلمانان را دعوت و امر به وحدت می‌نماید و از تجزیه و تفرقه هراسانیده و پرهیز می‌دارد. توجه به ادبیات همگرایانه از آن رو اهمیت دارد که جریان‌ها و گروه‌های افراطی و وحدت ستیز دقیقاً خلاف رویکرد قرآن و سنت بر تفرقه و نا همسازگری و گسست امت اسلامی تلاش می‌کنند. (دانشیار، ۱۳۹۳: ۹۳) لذا امام خمینی، ایجاد وحدت در میان مسلمانان را به عنوان یکی از برنامه‌های اصلی انقلاب اسلامی برشمردند. (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۳۳۶) بر این اساس بایستی جهت خنثی‌سازی توطئه تفرقه از سوی قدرت‌های استعماری و برخی قدرت‌های منطقه‌ای تلاش‌های موثری صورت گیرد.

شناخت و روشنگری نسبت به نقش سیاست‌های استکباری

یکی دیگر از راهکارهای اساسی و تعیین کننده در راستای تقویت همگرایی، شناخت و توجه به نقش قدرت‌های استکباری و سیاست‌های آن‌ها در ایجاد اختلاف و تنش در جهان اسلام است و بدون توجه به این مسئله و روشنگری در این زمینه، همگرایی اسلامی به موفقیت نخواهد رسید. مقام معظم رهبری در این زمینه معتقدند: «دنیای اسلام امروز احتیاج دارد به شناختن حقیقی جبهه دشمن امت اسلامی؛ دشمنانمان را بشناسیم، دوستانمان را بشناسیم. گاهی دیده شده است که مجموعه‌ای از ما مسلمان‌ها با دشمنان خودمان همدست شدیم برای زدن دوستان خود، برای زدن برادران خود! خب، این به ما لطمه می‌زند، این امت اسلامی را دچار آشفته‌گی می‌کند، دچار ضعف می‌کند؛ این ناشی از نداشتن بصیرت است.» (بیانات در مورخه، ۱۳۹۳/۳/۶) بر این اساس جهت تقویت همگرایی اسلامی، بایستی به سیاست قدرت‌های استکباری در ایجاد تفرقه بین مسلمانان توجه نموده و نسبت به آن روشنگری‌های لازم صورت گیرد.

اجماع‌سازی و ایجاد ائتلاف علیه جریان‌های وحدت ستیز

از جمله راهکارهای تقویت همگرایی اسلامی، تلاش برای اجماع‌سازی منطقه‌ای و جهانی علیه جریان‌های وحدت ستیز محسوب می‌گردد. کشورهای اسلامی با استفاده از ابزارهای مختلف دیپلماتیک، می‌توانند در این زمینه اقدامات قابل توجهی انجام دهد، از طرفی در سطح منطقه‌ای،

کشورها و دولت های اسلامی رایزنی های لازم را جهت مقابله با جریان های افراطی داشته باشد و بتواند در راستای ایجاد ائتلاف منطقه ای علیه این جریانها قدم بردارد. از طرف دیگر تلاش برای ایجاد ائتلاف و اجماع جهانی علیه گروه های تکفیری بایستی صورت گیرد و از توانمندی ها و ظرفیت های قدرت های جهانی و دیگر کشورها در این راستا استفاده گردد، همچنین از ظرفیت های نهادهای بین المللی می توان در این زمینه استفاده نمود. (حقی، ۱۳۹۷: ۱۴۲)

تقویت جریان های فکری سیاسی معتدل در جهان اسلام

از دیگر راهکارهایی که در زمینه تقویت همگرایی اسلامی دارای اهمیت است، توجه، ارتباط و تقویت جریان های سیاسی معتدل در جهان اسلام می باشد، چرا که در کشورهای اسلامی تنها گروه های رادیکال مانند القاعده، داعش و یا گروه های وابسته به آن فعال نیستند، گروه ها و جریان های معتدل در این کشورها خیلی قدرتمندتر هستند. در حقیقت گروه های معتدل بیشتر از گروه های تندرو توانایی جلب نظر مردم این مناطق را دارند، در بیشتر کشورهای اسلامی از شرق آسیا گرفته تا شمال و غرب آفریقا از گروه های تندرو قوی تر هستند، به لحاظ عددی هواداران بیشتری دارند و اکثریت جامعه مسلمانان از ایدئولوژی آنان حمایت می کنند. بنابراین هر اندازه که در این کشورها گروه های معتدل بیشتر تقویت شود، جریان های افراطی وحدت ستیز تضعیف شده و به حاشیه خواهند رفت. بر این اساس در تقابل با وحشی گری و تروریسم خشن گروه های افراطی که به نام اسلام این جنایات را انجام می دهند، بهترین راه خنثی کردن نفوذ این جریانها، تقویت حرکت های فکری اسلامی معتدل و عقلانی است (آیت الله خامنه ای، ۱۳۹۴/۰۹/۰۱)

همچنین می توان به برخی دیگر از راهکارها به صورت کوتاه بدین صورت اشاره نمود:

گفتگو میان مجالس کشورهای اسلامی بویژه با استفاده از اتحادیه بین المجالس اسلامی.

اتخاذ دیپلماسی مشترک از سوی کشورهای و دولت های اسلامی نظیر محور قرار دادن سازمان کنفرانس اسلامی و اتخاذ تصمیمات متمرکز و انسجام در موضع گیری های سیاسی و داشتن سخنگوی مشترک؛

ارتباط بیشتر میان نخبگان سیاسی و دانشگاهی کشورهای اسلامی و تلاش برای یافتن نقاط

مشترک و هموارسازی همگرایی میان کشورها؛

تفاهم و گفتگو در راستای عملیاتی سازی راهبرد تقریب مذاهب اسلامی؛ با تاکید بر تفاهم و

گفتگو.

تاسیس و تقویت شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌های اینترنتی چند زبانه فرهنگی و مذهبی برای کشورهای منطقه و جهان، تولید آثار فرهنگی و هنری، تقویت رسانه‌های برون مرزی موجود. (حقی، ۱۳۹۷: ۲۰۳)^۱

نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی ایران، با توجه به دارا بودن جاذبه‌های ایدئولوژیک و هویت‌بخشی همچون حمایت از ملت‌های محروم و مستضعف، حمایت از نهضت‌های دینی و جنبش‌های اسلامی و داشتن آموزه وحدت‌گرایی و اتحاد امت اسلامی و نیز با توجه به تسری و گسترش ارزش‌های اسلامی و انسانی به کشورهای تحت ستم و ملت‌های مسلمان، تأثیرپذیری جنبش‌های اسلامی از انقلاب اسلامی و تأسیس نهادهایی همچون جامعه المصطفی‌العالمیه و مجمع جهانی تقریب مذاهب در مسئله همگرایی ملت‌های مسلمان، توانسته است فرصت‌های بسیاری به وجود آورد.

ولی بخش دیگر همگرایی و وحدت جهان اسلام مربوط به دولت‌ها و حکومت‌های اسلامی است که غالباً بازتاب انقلاب اسلامی بر آن‌ها با محدودیت و مانع روبه‌رو بوده و در برخی موارد سبب ایجاد هراس و ترس آن‌ها از انقلاب اسلامی ایران شده است؛ زیرا با توجه به تأکید انقلاب اسلامی بر نقش مردم و نیز توجه به اینکه اکثریت دولت‌های اسلامی، غیرمردمی و وابسته به قدرت‌های خارجی بودند، این دولت‌ها در مقابل انقلاب ایران ایستاده و واکنش‌هایی از خود نشان دادند که از جمله می‌توان به ایجاد تفرقه میان ملت‌های اسلامی و جداسازی آن‌ها از انقلاب اسلامی با ایجاد اختلاف میان شیعه و سنی، تشدید تضاد عرب و عجم و نیز ایجاد شورای همکاری خلیج فارس جهت محدودسازی نقش ایران اسلامی اشاره نمود.

بر این اساس جهت تقویت همگرایی اسلامی در سطوح مختلف راهکارهایی نظیر دیپلماسی بین کشورهای اسلامی و تلاش برای خنثی‌سازی توطئه تفرقه، شناخت و روشن‌گری نسبت به نقش سیاست‌های استکباری، اجماع‌سازی و ایجاد ائتلاف علیه جریان‌های وحدت‌ستیز و تقویت جریان‌های فکری سیاسی معتدل در جهان اسلام قابل ارائه می‌باشد. آنچه مسلم است، انقلاب اسلامی ایران فرصت‌هایی زیادی را در راستای همگرایی کشورهای اسلامی در سطح ملت‌ها ایجاد نموده است. با توجه به این فرصت‌ها و استفاده مناسب از آن‌ها و بهره‌گیری از راهکارهای ارائه شده می‌توان در سطح دولت‌ها نیز شاهد آثار مثبتی بود.

۱ - پایان نامه دکتری.

منابع

۱. احمدی، حمید (۱۳۶۹)، «انقلاب اسلامی ایران و جنبش های اسلامی در خاورمیانه عربی»، **مجموعه مقالات پیرامون جهان سوم**، به کوشش: حاتم قادری، تهران، نشر سفیر.
۲. الفی، محمدرضا (۱۳۹۶)، «تأثیر گذاری انقلاب اسلامی ایران در پایداری و پویایی فرآیند تکاملی بیداری اسلامی و تغییر معادلات قدرت در خاورمیانه». **فصلنامه راهبرد سیاسی**، دوره ۱، شماره ۳.
۳. امام خمینی (۱۳۷۸)، «**صحیفه امام**»، ۲۲ جلدی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد انقلاب اسلامی.
۴. پارسادوست، منوچهر (۱۳۸۵)، «**ما و عراق: از گذشته دور تا امروز**»، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۵. پوراحمدی، حسین (۱۳۸۶)، «**انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران در بازتاب فرایند جهانی شدن**»، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج.
۶. جوادی ارجمند، محمدجعفر (۱۳۹۴)، «دیپلماسی عمومی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در روابط با کشورهای حوزه خلیج فارس»، **فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی**، شماره ۴۱.
۷. جهانگیری، سعید و اطهری، سید اسدالله (۱۳۹۷)، «بررسی تاثیر موقعیت ژئوپلیتیک ایران بر سیاست خارجی (قبل و بعد از انقلاب اسلامی)». **فصلنامه راهبرد سیاسی**، دوره ۲، شماره ۶.
۸. حشمت زاده، محمدباقر (۱۳۸۶)، «**تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی**»، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۹. حقی، محمد (۱۳۹۷)، «**بررسی تهدید های جریان های تکفیری علیه گفتمان انقلاب اسلامی**»، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۱۰. حقی، محمد (۱۳۹۴)، «تقریب مذاهب اسلامی در پرتو انقلاب اسلامی ایران با تاکید بر اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)»، **فصلنامه حبل المتین**، شماره یازدهم.
۱۱. حقی، محمد (۱۳۹۶)، «**همگرایی ملتها و واگرایی دولت های مسلمان در پرتو انقلاب اسلامی**»، قم، انتشارات نورالامین.
۱۲. حنفی، حسن (۱۳۸۶)، «اسلام سیاسی»، ترجمه: محمدحسن معصومی، **مجله حکومت اسلامی**، سال دوم، شماره اول.
۱۳. خامنه ای، سیدعلی، «**بیانات در دیدار با میهمانان شرکت کننده در کنگره جهانی جریان های**

- تکفیری از دیدگاه علمای اسلامی»، ۱۳۹۳/۹/۴.
۱۴. خامنه‌ای، سیدعلی، «بیانات در دیدار رئیس جمهوری ترکمنستان»، ۱۳۹۴/۰۹/۰۱.
۱۵. دانشیار، علیرضا (۱۳۹۳)، «چالش‌های جریان‌های تکفیری و راهکارهای مقابله با آن از دیدگاه مقام معظم رهبری»، فصلنامه حبل‌المتین، شماره ۹.
۱۶. دوژرتی، جیمز و فالتزگراف، رابرت (۱۳۷۴)، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه علیرضا طیب، وحید بزرگی، تهران، نشر قومس.
۱۷. ذولفقاری، مهدی و دشتی، فرزانه (۱۳۹۷)، «مؤلفه‌ها و ظرفیت‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی فرهنگی»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، ۸ (شماره ۲)، ۱۲۷-۱۵۴.
۱۸. زرگر، فرشته (۱۳۸۶)، «انقلاب اسلامی ایران و همگرایی جهان اسلام»، مجموعه مقالات همایش همگرایی و واگرایی در جهان اسلام، دانشگاه آزاد سمنان.
۱۹. ستوده، محمد و جمعی از پژوهشگران (۱۳۹۲)، موانع و فرصت‌های همگرایی در جهان اسلام، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۰. ستوده، محمد (۱۳۸۴)، «انقلاب اسلامی ایران و روابط بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۲.
۲۱. فاضلی‌نیا، نفیسه (۱۳۸۵)، «علل نگرانی غرب از انقلاب اسلامی در منطقه» (پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی)، دانشگاه باقرالعلوم.
۲۲. فولر، گراهام (۱۳۷۷)، «قبله عالم، ژئوپلیتیک ایران»، ترجمه: عباس مخبر، تهران، نشر مرکز.
۲۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۵)، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۴. قربانی‌نژاد، ریاز؛ حافظ‌نیا، محمدرضا؛ احمدی‌پور، زهرا و قوام، عبدالعلی (۱۳۹۶)، «تبیین سرچشمه‌های جغرافیای سیاسی تنش و منازعه عراق علیه ایران براساس الگوی‌های پوتیتکا»، فصلنامه مطالعات دفاع مقدس، دوره ۳، شماره ۴، صص ۱-۲۹.
۲۵. قوام، عبدالعلی (۱۳۸۰)، «اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل»، تهران، انتشارات سمت.
۲۶. قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴)، «روابط بین‌الملل، نظریه‌ها و تئوری‌ها»، تهران، انتشارات سمت.
۲۷. کدیور، جمیله (۱۳۷۲)، «رویارویی، انقلاب اسلامی و آمریکا»، تهران، انتشارات اطلاعات.
۲۸. گریفیتس، مارتین (۱۳۸۸)، دانشنامه روابط بین‌الملل و سیاست جهان، ترجمه علیرضا طیب،

تهران، نشر نی.

۲۹. لک زایی، نجف (۱۳۸۵)، **بسط تأثیر اندیشه های سیاسی**، جمعی از نویسندگان انقلابی ممتاز، جستارهایی در انقلاب اسلامی، قم، بوستان کتاب.

۳۰. مجرد، محسن (۱۳۸۶)، **تأثیرات انقلاب اسلامی بر سیاست بین الملل**، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۳۱. محمدی، منوچهر (۱۳۸۵)، **بازتاب جهانی انقلاب اسلامی**، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۳۲. ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۴)، «تأثیرات منطق های و جهانی انقلاب اسلامی ایران»، **فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی**، شماره اول.

۳۳. میرآقایی، سید جلال (۱۳۷۹)، **جهان اسلام، مشکلات و راهکارها**، تهران، نشر مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

۳۴. میلانی، محسن (۱۳۸۱)، **شکل گیری انقلاب اسلامی از سلطنت پهلوی تا جمهوری اسلامی**، تهران، نشر گام نو.

۳۵. نای، جوزف (۱۳۸۷)، **قدرت نرم**، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران، دانشگاه امام صادق(ع).

۳۶. هاشمی، سید محمدجواد (۱۳۸۲)، امام خمینی و هم گرایی جهان اسلام، تهران، نشر نیایش.

۳۷. هوبر، احمد (۱۳۷۰)، «دستاوردهای انقلاب اسلامی در جهان امروز»، **مجله حضور**، شماره ۱.

۳۸. ولایتی، علی اکبر و سعید محمدی، رضا (۱۳۸۹)، «تحلیل تجارب همگرایی جهان اسلام»، **مجله دانش سیاسی**، شماره ۱۱.

39. Stefan.A. schirm, (2002), Globalization and the new Regionalism, (new york: Polity Press).